

قلعه رودخان

بهزاد فرهانی

قلعه رودخان، یکی از شگفت انگیز ترین بناهای نظامی ایران است. این بنای عظیم در ۲۳ کیلومتری شهرستان فومن در استان گیلان و میان کوه های جنگلی قرار دارد. بنای قلعه رودخان در ارتفاع ۶۸۷ تا ۷۷۸ متری از سطح آب دریا های آزاد و بر خط الراس کوهی در انتهای رشتهکوه تالش معروف به «قلعه ژیه» قرار گرفته است. پهنه ی این قلعه ۲/۶ هکتار است و طول دیوارهای قلعه به ۱۵۵۰ متر می رسد که در آن ۵۲ برج نگهبانی عظیم قرار داده شده است.



در جهت شمال غرب قلعه، رودخانه ای به همین نام جاری است که از ارتفاعات پشت کوه و ماسوله داغ تالش - حد فاصل استان گیلان و زنجان - سرچشمه می گیرد. ارتفاع قلعه از شهر رشت ۶۸۰ متر است. در جهت شمالی قلعه، رودخانه ای به نام قلعه ی رودخان وجود دارد که با باران اندکی هم آب آن دو برابر می شود، به طوری که آب نسبتاً زیاد این رودخانه در گذشته

مانع حرکت سربازانی بوده که به طرف این قلعه می رفته اند. جنگل های انبوه قدیمی نیز مانع دیگری برای حرکت مردان جنگلی بوده است، به همین خاطر این دژ در دوران آبادانی ممتد خود کمتر مورد حمله ی متجاوزین قرار گرفته است.

نام قلعه رودخان

چون این قلعه تاریخی در کنار رودخانه ای بنا شده به «قلعه رودخان» معروف است. کلمه ی رودخان در واقع مخفف رودخانه و قلعه رودخان یعنی قلعه ای که در نزدیکی رودخانه است. این قلعه در ادوار تاریخی به نام های «قلعه ی هزار پله»، «حسامی»، «سکسار»، «سگ سار» و «سگسال» نیز نامیده شده است.



راه دسترسی به قلعه برای گردشگران

گردشگران و علاقه مندان به دیدن قلعه، بعد از شهر فومن جاده ی آسفalte مسیر قلعه را در جهت جنوب طی می کنند و پس از عبور از روستاهای گشت، کرد محله، گشت رودخان،

سیه کش، گوراب پس، ملسکام، سعیدآباد و قلعه رودخان به روستای حیدرآلات می رسند و پس از گذر از میان این روستا، جاده را تا اراضی پارک جنگلی قلعه رودخان می پیمایند و بالاخره مسیر ۱.۵ کیلومتری صعود تا قلعه را با پای پیاده و از طریق پله های احداث شده طی می کنند.

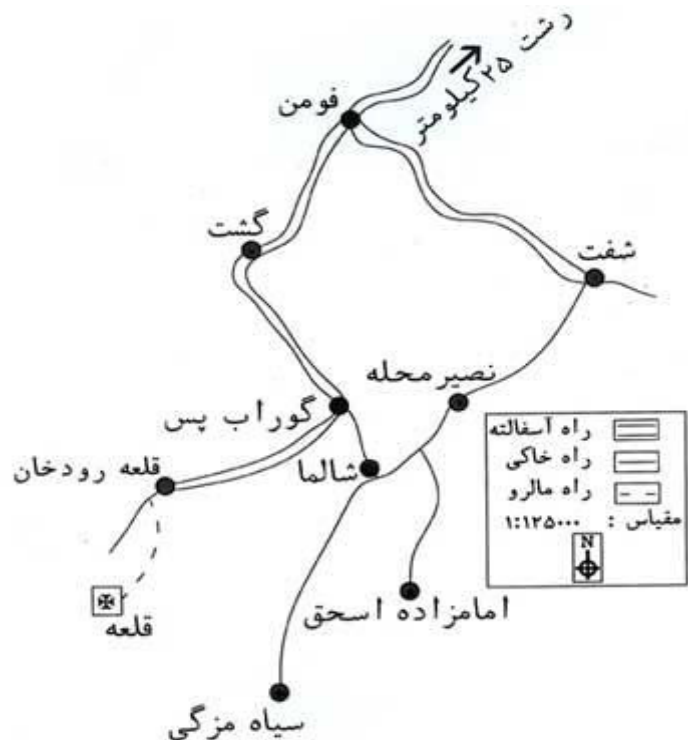
پیشینه تاریخی قلعه رودخان

شادروان استاد کریم کشاورز در کتاب «گیلان» قلعه رودخان را نمادی از گذشته ی پر حادثه

این سامان معرفی کرده و می نویسد که این



قلعه در ارتفاعات مسیر علیای قلعه



رودخان ساخته شده است و اشاره به سنگی می کند که در بالای دروازه ی قلعه نصب بوده و حاکی از این بود که این کاخ به نام (قلعه حسامی) موسوم بوده و در سال های ۹۱۸ تا ۹۲۱ هجری قمری به فرمان سلطان «حسام الدین بن امیر دجاج بن امیر علاءالدین اسحاقی» مرمت شده بود. مرمت این قلعه سه سال طول کشیده است.

با اینکه قلعه رودخان مدت ها تخت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلانی بیه پس بوده، در متون تاریخی و جغرافیایی گیلان تا قبل از قرن دهم هجری نامی از این قلعه به میان نیامده. تنها «عبدالفتاح فومنی» در کتاب تاریخ گیلان یک بار از کوه قلعه رودخان یاد می کند و می نویسد:

«...امیره شاهرخ و کامیاب، پسران امیره سالار و بنی اعمام حسین خان بودند که به دستور حسن خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند»...

سلاطین اسحاقوند که از سال ۵۵۰ تا ۱۰۰۲ ه.ق بر بخش وسیعی از این مناطق حکمرانی داشته اند و نسبت خود را به اشکانیان می رساندند، از این قلعه با توجه به موقعیت دفاعی ممتاز و سوق الجیشی آن، به عنوان مقر فرمانروایی خود استفاده می کردند و بارها برای تجدید بنا و مرمت آن همت گماشته اند. به طوری که این قلعه در فاصله ی سال های ۹۱۸ تا ۹۲۱ ه.ق به دستور سلطان حسام الدین امیره دجاج بن امیر علاءالدین اسحاقی مرمت گردیده و از آن زمان به بعد به نام «قلعه حسامی» نیز معروف شده است.

هدایت خان حاکم فومن در سال ۱۱۷۵ ه.ق در زمان قیامش علیه کریم خان زند به تعمیر قلعه رودخان پرداخت و با تجهیز آن به توپ های جنگی، آن را برای دفاع از خود آماده نمود. قدمت این قلعه به دوره ی سلجوقی برمی گردد، البته تمامی این قلعه بزرگ در یک زمان ساخته نشده است بلکه در دوره های بعدی مرمت و بازسازی هایی روی آن صورت گرفته است. ویژگی های معماری قلعه رودخان با مساحتی در حدود ۲.۶ هکتار، سراسر کوه را به وسیله ی ۵۲ برج و بارو و دیواری به طول ۱۵۵۰ متر که از پستی و بلندی های کوه و عوارض طبیعی تبعیت کرده، احاطه می کند. این بنا به وسیله ی سنگ و آجر ساخته شده و در بخش های آسیب پذیر و نقاط حساس، سنگ با ملات ساروج به کار رفته اما در مسیر اطاق ها، برج ها و سقف های گنبدی شکل از آجر، گچ و ملات ساروج استفاده شده است. بلندی دیوارها متفاوت و از ۳ تا ۱۰ متر متغیر است و در نقاط نفوذپذیر قلعه، دیوارها و باروها قطور و ارتفاع بیشتری دارند. گزینش مکان مناسب، بهره گیری از مصالح مقاوم، استفاده از شیوه های مختلف معماری و ایجاد اشکال

هندسی متنوع، عظمت خاصی به این مجموعه داده است. فرم کلی قلعه نامنظم است و از دو بخش شرقی و غربی تشکیل شده است.



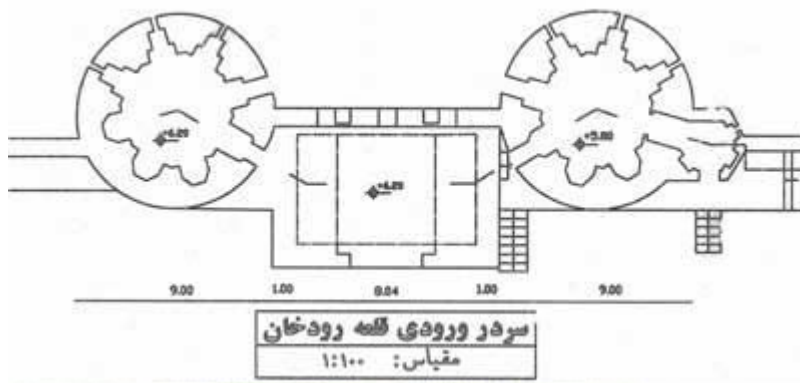
بخش غربی

شامل دروازه ی ورودی، چشمه، حوض، آب انبار و سردخانه، حمام، آب ریزگاه، شاه نشین و

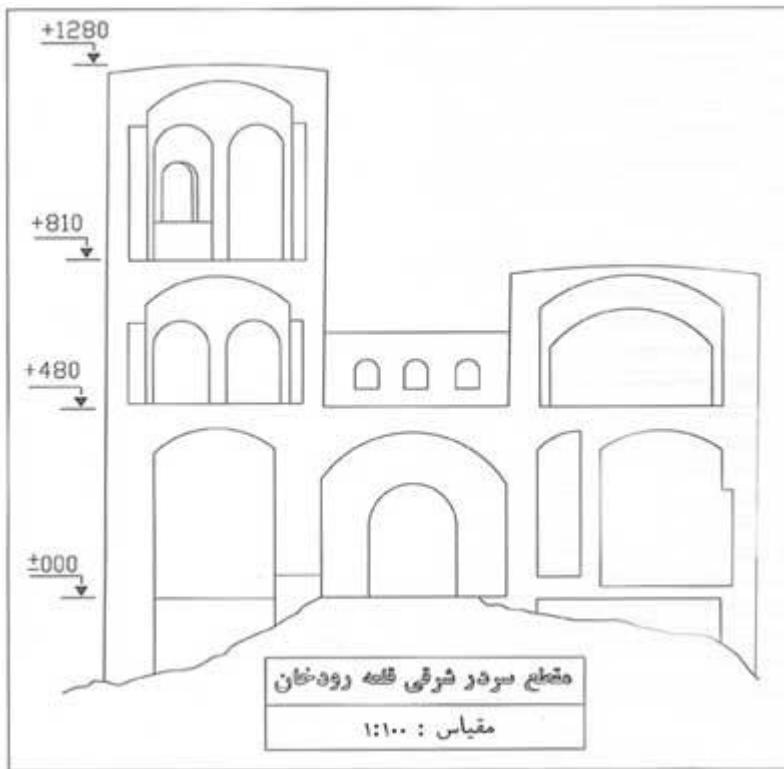
تعدادی واحد مسکونی که به وسیله ی برج و باروهایی محصور شده اند. قلعه کلا دارای دو ارگ و شانزده قراول خانه است. ارگ یا شاه قلعه در دو طبقه و از آجر ساخته شده؛ قراول خانه ها به صورت دو طبقه با نورگیرها و روزنه های متعدد مسلط بر محیط اطراف است. در ورودی یا دروازه ی قلعه، شمالی است و در دو طرف آن دو برج توپر بسیار عظیم ساخته شده است که در گذشته بر بالای آن سنگ نبشته ای نصب بود که اکنون در موزه ی رشت نگهداری می شود.

بخش شرقی

مساحت بخش شرقی کمتر از بخش غربی است. بناهای موجود در آن بیشتر جنبه ی نظامی داشته و شامل دروازه ی ورودی جداگانه با دو برج بزرگ، زندان، تعدادی واحد مسکونی و در اضطراری (دزد در) است. در دیوار شمالی و جنوبی قلعه و در فواصل نامنظم، برج هایی است که بالای آن ها اطاق های هشت ضلعی، از آجر ساخته شده و در دیوارها، منافذ و ترکش هایی برای دیده بانی و برای ریختن مواد مذاب و تیراندازی، تعبیه شده است. از وجوه جالب توجه در معماری قلعه رودخان، کاربرد طاق های جناغی و انواع مختلف آن و نیز طرح های آجرکاری و سنگ چینی است که نشان از دقت نظر سازندگان آن دارد.



معماری بنا



از سنگ در پی و نمای خارجی استفاده شده و آجر بیشتر در ساخت و ساز داخلی به کار برده است، علیرغم بارش زیاد باران و رطوبت فراوان به نظر می رسد چوب به عنوان یکی از عناصر اصلی معماری بکار نرفته، احتمالاً این امر به خاطر اشتعال - زایی چوب بوده است. در دیوار چینی سنگ و آجر به خصوص در جبهه ی شمالی و شمال شرقی همزمان در جبهه های دیگر به دلیل وجود پرتگاه های عمیق و عدم دسترسی به قلعه، استحکام دیوارها چندان مورد توجه نبوده و دیوارها آجر چینی شده است.

قلعه رودخان بی شک بزرگترین قلعه دفاعی ایران است.

وجود برج های دفاعی و دیوارهای رفیع، قراول خانه های مطبق و تقسیم بندی مواضع نگهبانی، بطور مشخص بیانگر آن است که سازندگان قلعه از

اصول پیشرفته ی علمی جهت دفاع و حصاربندی کاملاً آگاه بوده اند. بدین جهت است که طی قرون متمادی قلعه در برابر تهاجمات ایستادگی کرده و هرگز در مقابل دشمن سر تسلیم فرود نیاورده است، زیرا اثر و نشانه ای از تخریب انسانی و حریق در آن مشهود نیست. مرمت قلعه می بایست پس از اتمام کاوش ها و تبیین ساختار عناصر معماری داخل بنا انجام گیرد.

دریاچه ها و رودخانه ها و آب ها

رودخانه ی «سیاه مزگی» خارج از محدوده ی پارک جنگلی قلعه رودخان در بخش شرقی، رودخانه ی «قلعه رودخان» در بخش شمالی و غربی خارج از محدوده ی پارک و رودخانه ی «قلعه دهنه» در داخل محدوده ی پارک با ده ها چشمه ی دائمی و فصلی بیانگر غنای قابل توجه منطقه در ارتباط با عنصر آب به عنوان منظره و جاذبه ی طبیعی به شمار می آید. در این منطقه دریاچه ای دیده نمی شود.

وضعیت زمین شناختی و خاک

وجود رسوبات دگرگون شده پرکامبرین (metamorphic rocks of precambrian) در چند محل از البرز شمالی نشانه ی آن است که امتداد شرقی - غربی البرز، امتداد قدیمی و

مربوط به پرکامبرین می باشد که چین خودرگی های بعدی مربوط به فاز الپین را تحت تاثیر خود قرار داده است. در اطراف قلعه رودخان سنگ های دگرگونی متعددی از جمله: شیشیت های سبز (Greenshists)، بیتوتیت (Bidtitic) و گنیس (Gneiss) در توده های سنگی حجیم در اطراف رودخانه ی قلعه رودخان مشاهده می شود.



پوشش گیاهی

جنگل قلعه رودخان شامل قسمتی از ارتفاعات و میان بند محدودی منابع طبیعی استان گیلان و منطقه ی حفاظتی منابع حفاظتی منابع طبیعی فومن و جنگل های ماکلوان بوده که دارای عناصر درختی و درختچه های مانند گلابی وحشی، لیلکی، خرمنندی، ممرز، تمشک، آلوچه وحشی، ازگیل آقطنی، آلوچه و گیلاس وحشی و درختان راش، افرا، عذرا، لیلکی اوجا، خرمالو و انجیر وحشی، گیاهان گل بنفشه، پونه و کاسنی که کاربرد دارویی دارند و پوشش گیاهی برای چرای دام می باشد. تیپ های جنگلی محدودی نیز شامل توسکا، ممرزستان و راشستان سرخدار است.

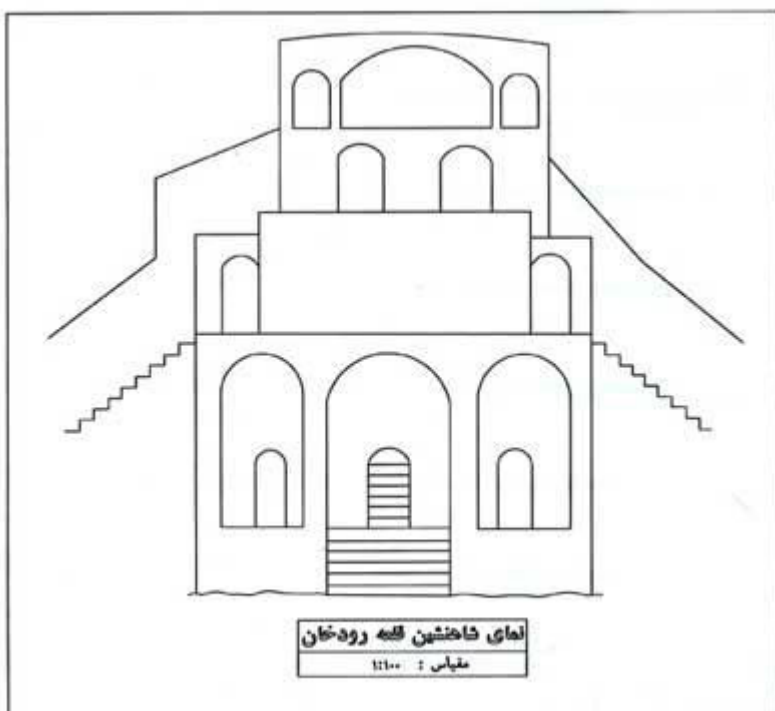
حیات جانوری

شغال، روباه، گراز، خرس قهوه ای

خرس قهوه ای را می توان بزرگ ترین پستاندار استان گیلان دانست. طول بدن این حیوان تا ۲ متر و وزن آن تا ۴۰۰ کیلوگرم می رسد. این جانور که در کلیه ی نقاط جنگلی استان وجود دارد غذای خود را از قسمت سبز گیاهان، میوه ها، حشرات و مهره داران کوچک تامین می کند. با توجه به خسارت ها و مزاحمتی که خرس قهوه ای از طریق شکستن شاخه ی درختان و تخریب مزارع به بار می آورد، روستاییان و جنگل نشینان نسبت به خرس قهوه ای تنفر و کینه

ای زاید الوصف دارند زیرا این حیوان با شکستن شاخه ی درختان و تخریب مزارع خسارت زیادی را به آنان وارد می سازد. خرس ها معمولا به انسان ها حمله نمی کنند مگر آنکه زخمی شوند یا کسی بطور ناگهانی در مقابل آن ها ظاهر شود.

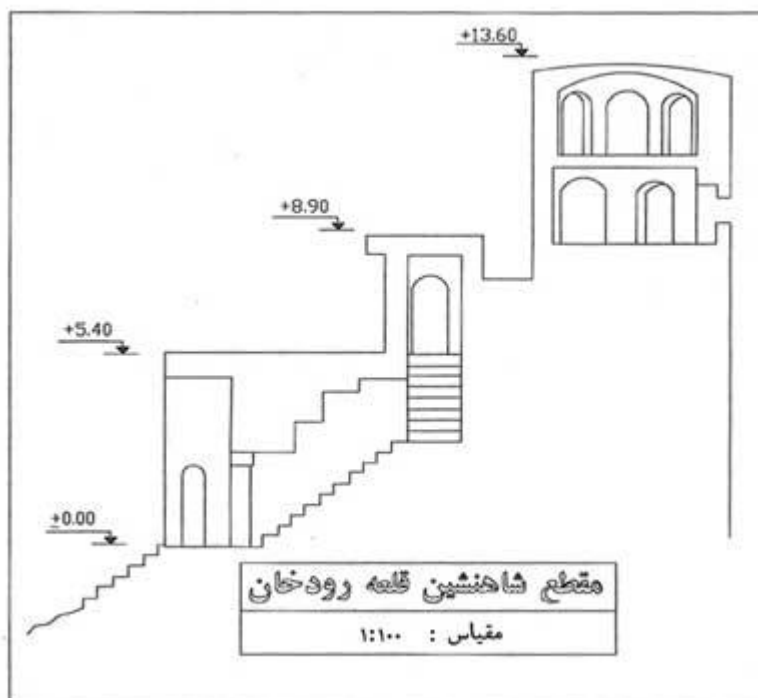
گونه ی شغال از خانواده ی سگسانان است که گفتار و گرگ کوچک تر و از روباه بزرگ تر می باشد. این جانور شب فعال که اغلب به



صورت گروهی حرکت می کند از پستانداران کوچک مثل خرگوش، مار، مارمولک، پرندگان اهلی و وحشی تغذیه می کند و غذاهای گیاهی مثل خربزه، هندوانه و انگور نیز باب طبع او می باشد. شغال در قسمت های جلگه ای و ساحلی استان گیلان فراوان مشاهده می شود. این جانور هم خسارت های قابل توجهی به روستاییان وارد می کند.

ساماندهی

در مرحله ی ساماندهی قلعه، پاکسازی و جمع آوری بوته ها و درختان مزاحم و نیز خاک های زاید، رسوبات و ... مطرح است. شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه و رطوبت بیش از حد و بارش باران های شدید به مقدار متوسط سالیانه ۱۵۰۰ میلی متر یکی از عوامل مهم رویش درخت های کهنسال و گیاهان خودرو بر بدنه ی بنا طی قرون متمادی بوده است.

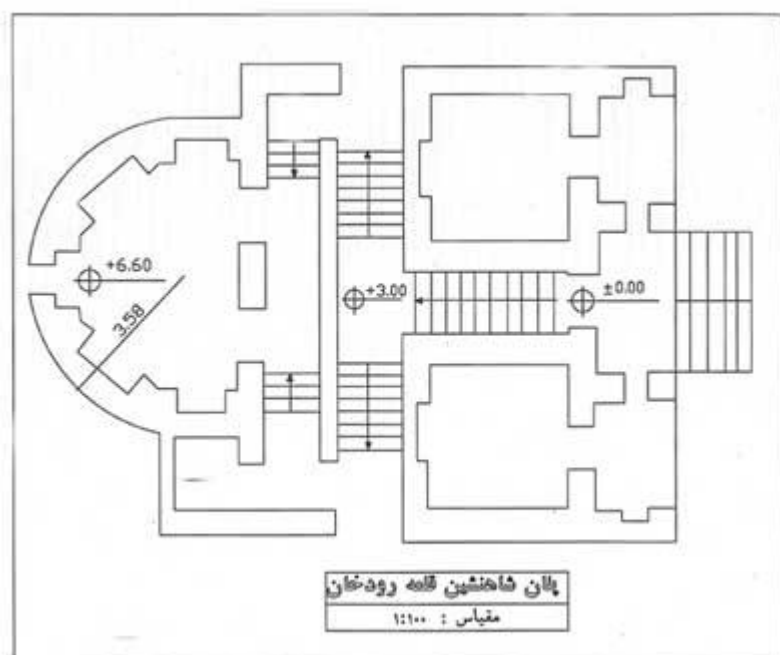


این قلعه از زمان هدایت خان حکمران فومن در دوره ی کریم خان زند به حال خود رها شد و به طور کلی متروک گردید. عوامل گیاهی و درختان قطور که سراسر قلعه را در خود فرو برده در فرسایش عناصر معماری و ریزش برج ها و قراول خانه ها تاثیر زیاد داشته است که یکی از الویت ها جهت مرمت و از بین بردن این عوامل خواهد بود.

گشتی در قلعه

از در ورودی اصلی که به قلعه وارد می شویم، دیوار جنوبی نزدیک است و بیش از بیست متر

از در دوم هشتی فاصله ندارد. در ورودی اصلی ابتدا به هشتی بزرگی وارد می شود و سپس از هشتی به حیاط قلعه می رود. این دو مدخل مسلماً روزی درهای محکم و استوار داشته اند. هنگامی که داخل حیاط شدیم، اگر به دست راست یعنی، به طرف غرب منحرف شویم، به اطاق های متعدد خرابی می رسیم و سپس چشمه ی آبی که منبع اصلی آب قلعه است



جلوی ما نمایان می شود. معروف است که این آب را با گنگ (= تنبوشه) از بیلاق زرد خونی (بکسردال) آورده اند. پس از گذشتن از این چشمه با پیمودن فاصله ی زیادی به بنایی عظیم و مدور بر می خوریم که روزی دو طبقه بوده است و طبقه ی زیرین فعلا دارای تونلی است که به خارج می رود. معروف است که این سمج، فرارگاه قلعه بوده است. با ادامه دادن راه، به طوری که دیوار جنوبی به طرف دست چپ ماست، طرف دست راست، بناهای متعدد و زیاد است. تا پس از طی دویست متر به قسمت شاه نشین می رسیم که در انتها الیه غربی قلعه، در دو طبقه با آجر بنا شده است. پهلوی دیوار جنوبی و شمالی پس از بالا رفتن از پنجاه پله به این شاه نشین وارد می شویم دیوار غربی شاه نشین، دیوار غربی قلعه است.

طبقه ی زیرین شامل راهرویی با طاق آجری هلالی از شمال به جنوب است که از وسط این راهرو به طرف شرق راهروی دیگری با طاقی شیب دار و پله هایی متعدد ما را به دو اطاق طبقه ی زیرین می برد. دو طرف راهروی شمالی جنوبی، پلکانی است که به اطاق های طبقه بالا و پایین می رود. طبقه ی بالا شامل سه اطاق است، دو اطاق در جنبین و یک اطاق که مسلط بر این دو اطاق است در غرب این دو اطاق بنا شده است. غیر از سقف این اطاق جدا که خراب شده است باقی قسمت های بنا از دیوار و سقف و پلکان کاملا برجاست.

اگر پس از وارد شدن از در ورودی اصلی قلعه به طرف شرق رفتیم، باز دیوار جنوبی نزدیک ماست و برطرف دست راست ما قرار می گیرد. طرف دست چپ، آثار بناهای مخروبه ی زیاد است. پس از طی صد و پنجاه متر به سردری می رسیم که بالای آن اطاق هایی است. طول این قلعه در حدود پانصد متر و عرض آن در نقاط مختلف فرق می کند. عظمت این قلعه به قدری است که به شهری آباد بیشتر شباهت دارد. نگارنده که بیش از بیست قلعه از قلاع انگلستان را از نزدیک دیده است. این قلعه را بزرگ تر و مستحکم تر از هر یک از آنها می داند. بسیار بجاست که پس از انداختن درختان جنگلی که خود عامل بسیار موثری در تخریب بناهای باستانی گیلان است، این قلعه را تعمیر و مرمتی کنند و راهی برای آن بسازند، تا جهانگردان بتوانند یکی از بناهای عجیب ایران را از نزدیک مشاهده کنند. جلو در ورودی قلعه پایه ستونی از سنگ سفید است که طول فعلی آن ۷۷ سانتی متر و عرض آن ۳۳ سانتی متر و طول پایه ی آن ۳۵ سانتی متر و عرض آن ۲۵ سانتی متر است.

این عبارات به خط خوش نستعلیق بر آن حک شده است:

"رعلاء الدین اسحقی خلد ملکه و سلطانه در تاریخ ثمان عشر و تسعما به این قلعه ی مبارکه را که مسمی بقلعه ی حسامی است و هرگز درجه ی تعمیر نیافته ۹۱۸ دانا چون دهر دشمن خوی هرزه جوی ... خویش اظهار کند و عهد... "

باقی مطالب آن فرسوده شده و از میان رفته است.

کتیبه ای که خچکو از آن یاد کرده است، امروز بر بالای در ورودی نیست. راهنمایان اظهار می کردند که مردی هندی این سنگ را از محل خود کنده و پایین انداخته است. دیگران آن را شکسته اند و پاره های آن را به دره ی مقابل در ورودی انداخته اند. مدت ها در میان درختان و علف های جنگلی جستجو کردیم و پاره های آن را نیافتیم. این سنگ نوشته از کمال الدین محمد گیلانی است و منظومه ی آن از «خان احمد شیروانی» و نوشته ی آن اثر «ابن حسین الخراسانی» است. در گذشته چشمه آبی در داخل قلعه جاری بود که وقت محاصره از آب آن استفاده می شد. این چشمه پس از زلزله ی سال ۱۳۶۹ گیلان خشک شد.

امروزه قسمت عمده ای از بنا در زیر قشری از پیچک ها پنهان شده و قلعه در هاله ای رمز آلود در دل جنگل سرسبز غنوده است. مشاهده ی این قلعه، هر بیننده ای را به حیرت وا می دارد؛ حیرت از آن رو که چگونه سازندگان هنرمند آن توانسته اند مصالح مورد نیاز آن را از یک راه کوهستانی بسیار دشوار تا پای کار در بلندای کوه برسانند و دژی این گونه بلند و محکم را در ارتفاعی دور از دسترس بسازند. این ساختمان از سنگ و آجر ساخته شده است و در بخش آسیب پذیر و حساس آن از سنگ با ملات ساروج استفاده شده است؛ اما در بیش تر اتاق ها، برج ها و سقف های گنبدی شکل آن، از آجر و گچ استفاده شده است. با توجه به پستی و بلندی طبیعی کوهستان، ارتفاع دیوارها از ۳ تا ۱۰ متر متفاوت است. در نقاط نفوذ پذیر قلعه، قطر و ارتفاع دیوارها و باروی آن بیش تر است. تنها راه ورود به قلعه، در جهت شمال شرقی قرار دارد که در کنار آن دو برج دفاعی ساخته شده است. این قلعه، در مواقع اضطراری می توانست چندین هزار نفر را برای مدت طولانی در خود جای داده و محافظت کند. در داخل قلعه، آبی گوارا در همه ی فصل های سال جاری است. احتمال داده می شود که این آب را با استفاده از آبراهه (کانال) به داخل قلعه آورده باشند. گرچه گذشت زمان و رویش بوته ها و درختان متعدد در پیکر قلعه که ریشه ی آن ها تا عمق دیوارها نیز نفوذ کرده، موجب آسیب دیدن این بنای مهم تاریخی شده است، ولی خوشبختانه هنوز هم می توان آن را از سالم ترین قلعه های ایران دانست که با اندکی مرمت به فضایی با جاذبه های جهانگردی فراوان تبدیل خواهد شد.



قلعه ی رودخان، با شماره ی ۱۵۴۶ در تاریخ
۱۳۵۴.۵.۳۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت
رسیده است.

برگرفته از: پایگاه پژوهشی "آریا بوم"